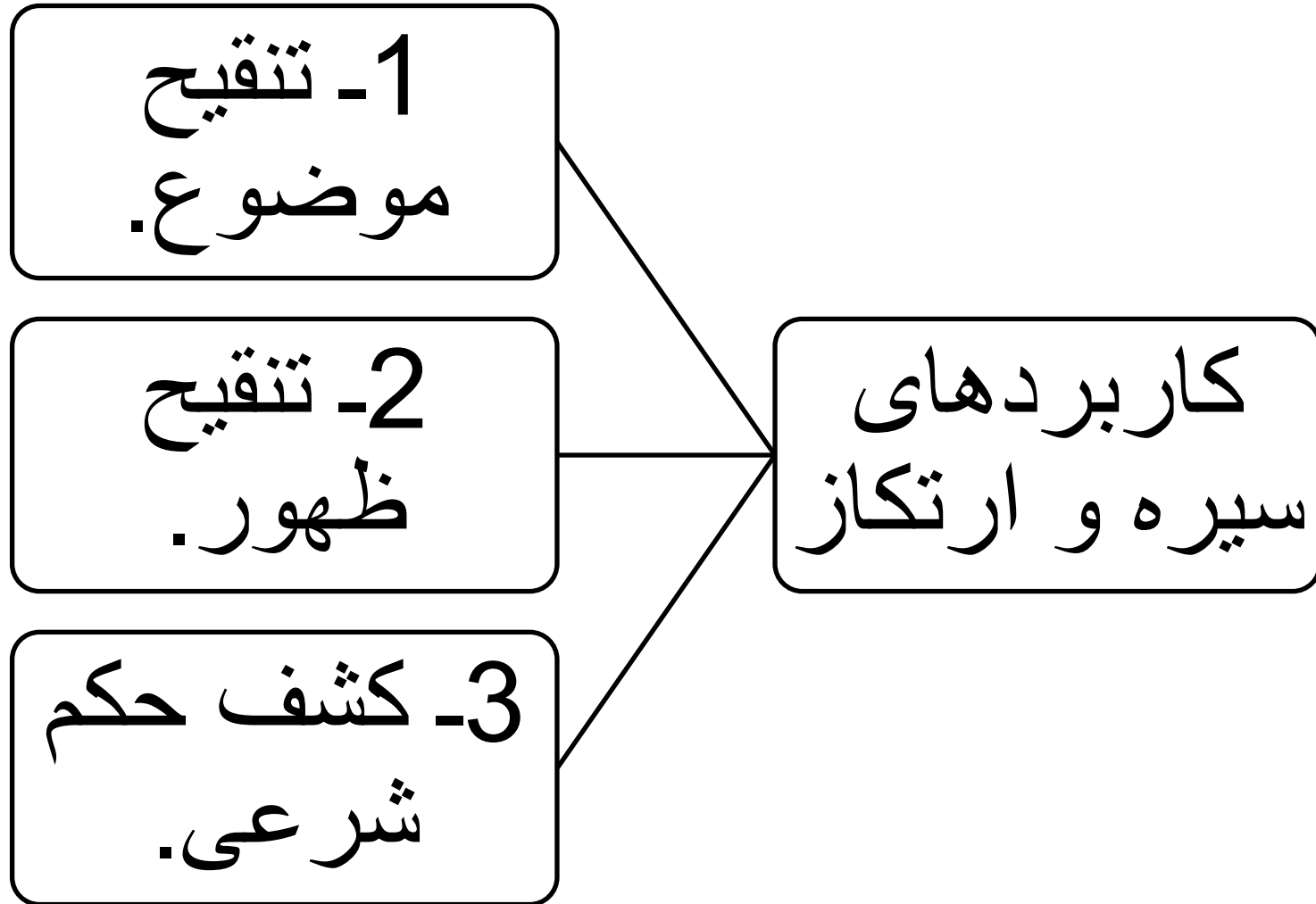


علم أصول الفقه

۱۳-۱۱-۹۲ حجیت سیره و ارتکاز ۴۸

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

کاربردهای سیره و ارتکاز



۱. تأثیر ارتکاز در تنقیح موضوع

شرعی

عرفی

موضوعات
احکام شرعی

کاربردهای سیره و ارتکاز

ثبوتنا

اثباتنا

1- تَفْصِيح
مَوْضُوع

کاربردهای سیره و ارتکاز

- مثلاً درباره کسی که عرف عام به او دیوانه نمی گوید ولی متخصصان روانشناسی او را دیوانه می شمارند، دو فرض وجود دارد:
- گاهی عرف عام با اطلاع از همة ویژگی های او وی را دیوانه نمی داند. در مقابل آن متخصص روانشناس با استناد به دانش روانشناسی می گوید این شخص دیوانه است.
- و گاهی عرف از همة حالات و خصوصیات او با خبر نیست و می گوید این آدم عاقل است و اگر از ویژگی های این شخص مطلع بود، می گفت: دیوانه است.

کاربردهای سیره و ارتکاز

- مثالش کسی است که رفتارهایش در بیرون از خانه و در برخورد با مردم، عاقلانه به نظر می آید ولی وقتی تنها یا داخل خانواده است، رفتارهایی انجام می دهد که اگر عرف آنها را می دید، او را دیوانه می خواند

کاربردهای سیره و ارتکاز

- و یا کسی که گرفتار یک سری از افکار است که اگر آنها بروز پیدا نکند، آدم عاقل به نظر می آید ولی وقتی این افکار بروز پیدا کند و در زمان بروز آنها مردم رفتارهای وی را ببینند، او را دیوانه خواهند دانست.
- در این گونه موارد که اختلاف عرف عام و عرف خاص نتیجه عدم اطلاع است، معیار قضاوتی است که عرف عام با فرض اطلاع کامل ابراز می کرد.

کاربردهای سیره و ارتکاز

- به عبارت دیگر در اصطلاح فقه می‌گوییم معیار در تشخیص موضوعات عرفی دقت عرفی است نه تسامح عرفی؛ یعنی گاهی عرف به کسی عاقل می‌گوید؛ چون تسامح می‌کنند و از همه ویژگی‌های او به طور کامل اطلاع ندارند و همه حالاتش را در نظر نمی‌گیرد و اگر دقت می‌کرد، حکم می‌کرد که وی دیوانه است. در حقیقت معیار در تشخیص موضوعات احکام دقت عرفی است.

کاربردهای سیره و ارتکاز

- دلیل این جواب همان پیش فرض کلامی در اجتهاد است که شارع در بیان خود همان شیوه‌های بیانی عرف را استفاده می‌کند؛ یعنی با توجه به اینکه مخاطبش عموم مردم هستند، در حد فهم عموم مردم مطالب را بیان کرده‌است مگر در جایی که به صورت خاص دلیل داشته باشیم بر اینکه معیار، عرف تخصصی است؛

کاربردهای سیره و ارتکاز

- البته اگر اطلاعات تخصصی به شکلی باشد که عرف در صورت آگاهی از آن مانند عرف تخصصی قضاوت خواهد کرد، این مورد نیز از مصادیق عرف عام است؛ هرچند عرف عام به دلیل عدم اطلاعش بالفعل چنین قضاوتی نداشته باشد.

کاربردهای سیره و ارتکاز

- تفاوت بین دقت عقلی، دقت عرفی و تسامح عرفی
- برای تبیین این تفاوت مثال می‌زنند که وقتی خون کمی مثلاً سر سوزنی به لباس سفیدی اصابت کند، ممکن است عرف بگوید: این خون نیست و مقصودش این باشد که مقدار قابل ملاحظه‌ای نیست و اهمیتی ندارد و با تسامح از آن می‌گذرد؛ یعنی عرف قبول دارد که همین مقدار هم مثل خون زیاد، خون است ولی برایش اهمیت ندارد.

کاربردهای سیره و ارتکاز

- این همان تسامح عرفی در قضاوت است. اما فرض کنید همین لباس را به حدی بشویند که رنگش باقی بماند. در این مورد عرف می‌گوید این دیگر خون نیست، بلکه رنگ خون است. در اینجا عرف با فرض اینکه دقت می‌کند، چنین قضاوتی دارد.

کاربردهای سیره و ارتکاز

- اما عقل می‌گوید: رنگ خون نمی‌تواند بدون خود خون به پارچه انتقال پیدا کند و به اصطلاح فلسفی یک عَرَض نمی‌تواند بدون معروضش منتقل شود. پس قرمز بودن که یک صفت و عرض است، نمی‌تواند بدون جرم خون در این پارچه باشد. بنابراین از اینکه قرمزی خون در پارچه وجود دارد، معلوم می‌شود که جرم خون هم در این پارچه هست. این دقت عقلی و آن تسامح عرفی معیار حکم شرعی نیستند، بلکه معیار دقت عرفی است.

کاربردهای سیره و ارتکاز

- بحوث فی علم الأصول، ج ۴، ص ۲۳۵.

- البقرة، ۲۲۹.

- مثلاً در روانشناسی به آن جنون بگویند. روانشناسان چیزهایی را به عنوان جنون یا بیماری‌های روانی مطرح می‌کنند که بعضی از مراتبش ممکن است از نظر عرفی جنون نباشد. همین مراتب اگر شدت پیدا می‌کند، ممکن است عرف به آن جنون بگوید؛ نظیر بیماری «مانی» که بیمار گرفتار پرکاری است. زیاد کار می‌کند؛ زیاد حرف می‌زند؛ کم می‌خوابد. این آدم‌ها بسیار خوش مشرب، بذله گو، فعال و پر انرژی هستند. آیا مردم به چنین فردی دیوانه می‌گویند؟ واضح است که نمی‌گویند مگر در مرتبه حادثش که دیگر از حالت عادی خارج می‌شود و حرف‌های بی‌ربط بگوید و به صورت غیر طبیعی حرف بزند و به اصطلاح روانشناسان دچار مانی حاد شود.

۱. تأثیر ارتکاز در تنقیح موضوع

- یادآور می‌شویم اصطلاحات سیره و ارتکاز با آن معانی معینی که ما فعلاً به کار می‌بریم، در نزد فقهای گذشته به کار نرفته است.
- کلمه‌ی **ارتکاز** بسیار کم استعمال شده و بیشتر در معنای لغوی‌اش به کار رفته است نه در معنای مصطلح.
- کلمه‌ی **سیره** کاربرد قدیمی‌تری دارد؛ اما معادلش یعنی کلمه‌ی «**عادت**» در آثار قدما بیشتر دیده می‌شود.

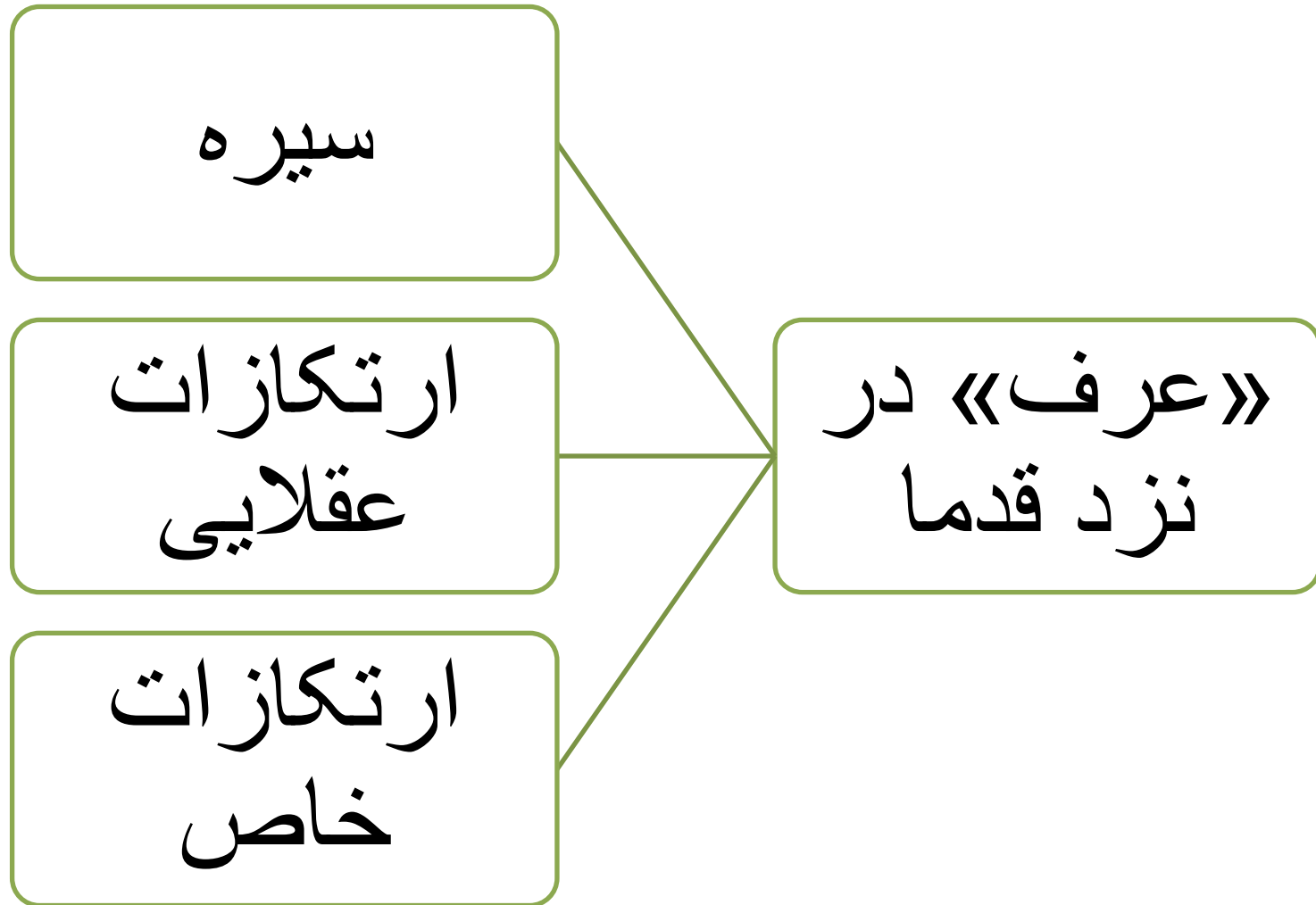
۱. تأثیر ارتکاز در تنقیح موضوع

- فقهای ما از گذشته بیشتر از کلمه‌ی «**عرف**» استفاده کرده‌اند و آن را در معانی مختلفی به کار برده‌اند. این معانی مختلف به نحوه‌ی استعمال و مورد آن بستگی داشته است.
- آنها گاهی **عرف** را در مورد عقلا به کار برده‌اند و گفته‌اند: عرف عقلا چنین است... مقصود آنها از عرف عقلا، **سیره‌ی عقلا** بوده است.
- و گاهی **عرف** را به معنای **ارتکاز** به کار گرفته‌اند
- و گاهی... .

۱. تأثیر ارتکاز در تنقیح موضوع

- به عنوان نمونه سید مرتضی در ذریعه گاهی عرف را در مورد فقها به کار برده و بدین وسیله معانی مصطلح در نزد آنها را شرح کرده است.
- پس مقصود او از **عرف فقها**، اصطلاحات مورد نظر آنها است.
- هم او در بعضی عبارات دیگر کلمه‌ی عرف را برای تعیین محدوده‌های معنایی الفاظ در نزد مردم به کار برده و مثلاً فرموده: در این موارد باید به عرف مراجعه کنیم. در اینجا مقصود او از عرف، **ارتکاز** است.

۱. تأثیر ارتکاز در تنقیح موضوع



۱. تأثیر ارتکاز در تنقیح موضوع

- پس «عرف» در نزد قدما گاه به معنای سیره، گاه به معنای ارتکازات عقلایی و گاه به معنای ارتکازات خاص است.
- تعیین یافتن یکی از این معانی بستگی به موردی داشته که کلمه‌ی عرف در آنجا به کار می‌رفته است.

۱. تأثیر ارتکاز در تنقیح موضوع

- یک جا مثل مورد غنا بوده است که می‌خواستند بدانند برای چه معنایی وضع شده است. اینجا به عرف زبان عربی رجوع می‌دادند و ارتباطی به زبان‌های دیگر نداشته است.

۱. تأثیر ارتکاز در تنقیح موضوع

- اما در جایی دیگر به محتوا نظر داشتند و صرف نظر از لفظ می‌خواستند بدانند محتوا چه حیثه‌ی مفهومی یا مصداقی داشته است، در اینجا نیز از کلمه‌ی عرف استفاده کرده و رجوع به عرف را لازم شمرده‌اند.
- آنها در هر دو مورد به عرف رجوع داده‌اند، با این که کلمه‌ی «عرف» در این دو رجوع دارای معانی متفاوتی است، یکی عرف خاص است و دیگری عرف عام که زبان و قومیت و ملیت در آن راه ندارد.

۱. تأثیر ارتکاز در تنقیح موضوع

- بنابراین اگر ما در این بحث‌ها به خصوص در تعیین موضوع از لفظ عرف استفاده می‌کنیم، به خاطر این است که قدا در این موارد از این لفظ استفاده کرده و کلمه‌ی ارتکاز را به کار نبرده‌اند. بدیهی است در اینجا شرایط دیگری هم وجود دارد که در این جا محل بحث ما نیست.

۱. تأثیر ارتکاز در تنقیح موضوع

- از مرحوم میرزای قمی نقل می‌کنند که فرمود: واضح‌ترین مفاهیم یک دایره‌ی مبهم مصداقی دارند، مثل آب. آب زلال قطعاً پاک است و مطهر. گل یقیناً آب نیست و مطهر هم نیست. اما آبی که خاک آلود است، مورد تردید عرف است. آیا آب است و مطهر یا گل است و غیر مطهر.
- . بقره، ۲۲۹.
- . مثلاً فرموده: شرط در عرف فقها به این معنا است... یا مجمل در عرف فقها عبارت است از... .

۲. تأثیر ارتکاز در استظهار

- ۲. تأثیر ارتکاز در استظهار
- یکی دیگر از مواردی که ارتکاز مورد استفاده قرار گرفته و در آن تأثیر داشته است، ظهورات است.
- این مورد به صورت خیلی واضح در کلمات شهید صدر مورد تأکید قرار گرفته است.

۲- سیره یا ارتکاز برای تعیین ظهور

- در اصول گذشته تصور می شد ظهورات الفاظ صرفاً نتیجه معانی ای است که این الفاظ برای آنها وضع شده اند. به همین دلیل همه هم اصولی های پیشین متوجه تعیین موضوع له الفاظ بود و گمان می کردند که اگر موضوع له الفاظ را تعیین کنیم، ظهور عبارت مشخص می شود؛

۲- سیره یا ارتکاز برای تعیین ظهور

- البته آنها توجه داشتند که موضوع له لفظ گاهی شرعی است؛ مثل معانی مصطلحاتی که شارع وضع کرده است و گاهی عرفی و عقلایی است؛ مثل معانی خاصی که در بین عقلا برای برخی از الفاظ پیدا می شود و گاهی لغوی است یعنی در آن زبان چنین معنایی برای این الفاظ در نظر گرفته شده است.

۲- سیره یا ارتکاز برای تعیین ظهور

- تحقیقات اصولی‌های متأخر نکات تازه‌ای را در این بحث نمایان کرد*؛ آن‌ها کشف کردند علاوه بر موضوع له امور دیگری هم در شکل‌گیری ظهور الفاظ دخالت دارند؛ البته فقهای گذشته به صورت ناخودآگاه و بدون اینکه متوجه باشند، در تشخیص ظهورات همین تأثیر را در نظر می‌گرفتند.

- *یعنی این نکات را کشف کردند نه اینکه دستور داده باشند باید این نکات باشد.

۲- سیره یا ارتکاز برای تعیین ظهور

- این مباحث به خصوص در اصول شهید صدر - رضوان الله تعالی علیه - منقح و بعد در فقه وی کاربردهایش نشان داده شده است. زمینه این تنقیح توسط اصولی‌های قبل از ایشان فراهم شد.